

رئیس‌جمهور در مراسم معارفه رئیس‌جدید سازمان برنامه و بودجه:

اگر نتوانستیم، صادقانه به مردم می‌گوییم

وعده‌ها و یکسکان نبودن قول و عمل مسئولان را موجب نارضایتی مردم از آنان دانست و تصریح کرد: بنای دولت جدید این است که اگر توان حل مشکل و مسئله‌ای در کشور را نداشته باشد، آن را صادقانه به مردم در میان بگذارد. رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه اگر در کشور عده‌ای با سختی زندگی می‌کنند ناشی از عملکردهای نادرست و غلط برخی مدیران است، افزود: بنده به‌هیچ‌وجه در اظهارات و سخنانم در جریان انتخابات به مردم وعده دروغ و تعهد غیرقابل اجرا نداده‌ام. چراکه معتقدم هیچ فریضه‌ای در نزد خدای متعال از پایبندی به قول و عهد بالاتر نیست و شیرینی صداقت با مردم از رفتار و گفتار منافقانه و دروغویانه بیشتر است. بنابراین اگر تعهد و قولی به مردم دادیم باید تا پای جان برای عمل به آن تلاش کنیم. پزشک‌های نداشتن دانش کافی برای یافتن راه‌حل مشکلات، کنار زدن افراد توانمند و باانگیزه و عدم صداقت با مردم را از اصلی‌ترین موانع رفع مشکلات کشور دانست و خطاب به مدیران و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، تصریح کرد: معتقدم شما با نگاهی نووروشی نوین خواهید توانست کشور را متحول کنید و با کار اثر بخش و تأثیرگذاران رضایت مردم را جلب کنید. رئیس‌قوه مجریه با تأکید بر اهمیت تکمیل رباب رجوع در ادارات و دستگاه‌های اجرایی کشور، گفت: متأسفانه مردم در شرایط فعلی از نحوه برخوردها در ادارات ما ناراضی هستند و علاوه بر مشکلات اقتصادی که با آن دست به گریبند با برخورد نامناسب در ادارات به زخم آنها نمک پاشیده می‌شود. رئیس‌جمهور تأمین رضایت مردم را رسالت اصلی دولت چهاردهم عنوان کرد و افزود: برای ما مهم آن است که مراجعه‌کننده با رضایت از ادارات ما خارج شود و اگر خواسته‌ای خارج از چارچوب‌های قانونی نیز داشت با روی خوش و زبان

گروه خبر: مراسم تودیع و معارفه رئیس سازمان برنامه و بودجه صبح روز دوشنبه با حضور رئیس‌جمهور در محل این سازمان برگزار شد. سیدحمید پورمحمدی با حکم مسعود پزشکیان به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب و جایگزین داوود منظور شد. منظور از جمله حلقه امام‌صادقی‌های دولت سیزدهم بود که در جایگاه‌های مدیریت اقتصادی کشور حضور داشتند. پزشکیان در جریان سخنرانی خود در این مراسم، سازمان برنامه و بودجه را مغز متفکر نظام اجرایی کشور دانست که در صورت کارآمدی، گره‌گشای مشکلات کشور خواهد بود و در صورت ناکارآمدی، بر مشکلات کشور خواهد افزود. او در ادامه، تأمین رضایت مردم را رسالت اصلی دولت چهاردهم دانست.

▼ پزشک‌های در بهارستان

سازمان برنامه و بودجه کشور یکی از ساختمان‌های دولتی بزرگ حوالی میدان بهارستان و در همسایگی وزارت ارشاد است. سیدحمید پورمحمدی یکی از اولین انتصابات رئیس‌جمهور پزشکیان در دولت چهاردهم است که سازمان مورد نظر را تحویل گرفته و کار خود را به صورت رسمی آغاز می‌کند. پزشک‌های در مراسم تودیع و معارفه رئیس سازمان با تأکید بر ضرورت تحول در روش عملکرد و فعالیت این سازمان، در توصیف چشم‌انداز کشور گفت: به دنبال شرایطی هستیم که در آن ایران رتبه برتری در میان کشورهای دیگر کسب کرده، فقر، جهل و تحقیر در جامعه نباشد و آزادی، شرافت و انسانیت حکمفرما شود و رسیدن به این جایگاه که لیاقت آن را داریم، مستلزم تغییر نگاه‌ها و ابتکار در راه‌حل‌ها است. پزشک‌های عملی‌نشدن

داعیه عدالت داشت.

نگاه کنید که در روزهای اخیر مدیران دولت پایان‌یافته کنونی چگونه در انتصابات و تصمیمات تبعیض‌آمیز برای خود مقام و مجوز دست و پا می‌کنند و مضحک‌تر از همه انتصاب ضعیف‌ترین وزیر تاریخ آموزش و پرورش به جایگاهی در سازمان سنجش آموزش کشور است که نشان می‌دهد عدالت ادعایی آقایان در واقع اسم مستعار برخی در طلب موقعیت بوده است. رئیس‌جمهور پزشکیان در طول مبارزات انتخاباتی به جای تکرار وعده‌های گرافای دروغ و یاوه چون زمین و طلا و وام بر این امر تأکید کرد که «سفره مقامات نباید از سفره مردم جدا باشد.»

بالایی که سر خانم شیخ حسینه به‌رغم تعلق به خاندانی معتبر در بنگلادش آمده به خاطر این است که سفره خود و نزدیکان و منصوبان و منسوبان را از مردم عادی جدا کرده و پنداشته بود صرف رشد اقتصادی این کشور- که در برخی زمینه‌ها مانند تولید پوشاک و فتح بازارهای جهانی حیرت‌انگیز است و گاه ترکیه را پشت سر می‌گذارد- مردم را از مخالفت با تبعیض بازداشته و سکه عدالت را از اعتبار انداخته است.

به خاطر حساسیت‌هایی که بر سر کلمه «برابری» وجود دارد نمی‌توان چندان از برابری زد (و دلیل مخالفت با بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی یا رد مصوباتی در شورای نگهبان هم شرعی ندانستن «برابری» است) اما وقتی در قبال «عدالت» این حساسیت وجود ندارد می‌توان و سبزد که دولت جدید رفع تبعیض و رانت و سهمیه‌های ناروا را به عنوان مصادیق مبارزه با تبعیض بی‌گیری کند. دیدیم و شنیدیم که حتی از تبعیض مثبت برای رسیدن به عدالت در برخی حوزه‌ها خاصه در به کارگیری اقلیت‌ها و زنان گفته شد. با این نگاه هر اقدام تبعیض‌زدا گامی عدالت‌خواهانه است.

سهمیه و رانت برای افراد خاص که در واقع با هدف حامی‌پروری و افزایش شمار وفاداران یا به منزله یاداش به آنان یا برتر ساختن طبقه و صنفی بر دیگران صورت می‌پذیرد هیچ نسبتی با عدالت ندارد و تنها و تنها هنگامی موجه است که برای جبران فرصتی از دست رفته اعطا باشد.

در دوران تحصیل در دبیرستان البرز که با سال‌های آغازین جنگ مصادف بود دوستی در همان نوجوانی به جبهه جنگ شتافت و طبعاً یک سال تحصیلی را از دست داد و بازماند. او بعدتر توانست با تمهیدات و حمایت‌هایی دیپلم خود را دریافت کند و در کنکور هم از سهمیه‌ای برخوردار شد و اکنون دندان‌پزشکی است که به زادگاه خود در اراک بازگشته و به جای افتتاح مطب شخصی در یک کلینیک دولتی و احتمالاً خیریه در حال خدمات‌دهی است.

بدیهی است که سهمیه دادن به او عین عدالت بود و همچنان می‌توان و باید از سهمیه مناطق برای دانشگاه‌ها یا کسانی که خودشان برای این سرزمین جان‌فشانی کردند دفاع کرد ولی تسری آن به چند نسل بعدتر و در حالی که ۳۶ سال از پایان جنگ ایران و عراق گذشته بیشتر نشانه‌هایی از حامی‌پروری و تبعیض را در خود دارد تا عدالت.

مشکل اما منحصر به سهمیه‌های آموزشی نیست. پروژه خالص‌سازی در سده سال اخیر که با روی کار آمدن آقای پزشکیان به شکست انجامیده ولو همچنان در حال تقلا و تاکیو هستند به دنبال انحصار در مدیریت بود که اینک در دانشگاه فرهنگیان و در استخدام‌های جدید اصطلاح «معلم یا استاد تراز» را برای گودی- غیر خودی‌سازی وضع کرده بودند. با این نگاه اگر چه خالص‌سازی و بهادادن تبعیض‌آمیز به برخی افراد و لایه‌ها در ابتدا و حسب ظاهر با توجهات امنیتی صورت می‌پذیرد اما چنان‌که در بنگلادش هم دیدیم در نهایت امنیت ملی را تهدید می‌کند.

اشتباه بزرگ خانم شیخ حسینه این بود که تصور می‌کرد چون دختر شیخ‌محبیب‌الرحمان بنیان‌گذار بنگلادش است و پیش از این ۴ بار نخست‌وزیر بوده از چنان مشروعیتی برخوردار است که از هر نقد و گزندی مصون می‌ماند حال آن‌که تبعیض و تحقیر استثنا نمی‌شناسد و آدمیان هیچ‌گاه این دورا بر نمی‌تابند و روزی بر آن می‌شورند و این روز برای بنگلادشی‌ها نیمه‌تابستان ۱۴۰۳ خورشیدی بود.

گفتیم شعار پزشک‌های و در زمره پریسامدترین وازگان نزد او حق و عدالت است. در نگاه افلاطون، حق، فضیلتی است که به موجب آن به هر کس باید به اندازه‌ای داد که سزاوار آن است.

این سزاواری را چندان نمی‌توان با معیارها و شاخص‌ها مشخص کرد ولی در مناصب سیاسی به وزن اجتماعی و سیاسی نسبت می‌دهند. در این نگاه به جای اصرار بر برابری می‌توان از عدالت و اعطای براساس سزاواری گفت. هر قاعده‌ای که این موازنه را برهم زند مغایر عدالت است و جز در مورد تبعیض مثبت یا جبران فرصت‌های از دست رفته با مثالی که در بالا آوردیم مقبول و پذیرفتنی نیست.

جای خوش‌وقتی است که عجلالتاً قیام مردم بنگلادش علیه تبعیض و سهمیه‌های غیرعادلانه را رسانه‌های اقتدارگرای داخلی با عنوان انقلاب رنگی و توطئه آمریکا تفسیر نکرده‌اند و مجال پرداختن به آن از منظری که در این نوشته به آن پرداختیم ستانده نشده است.

اگر در هند به خاطر مسلمانی مشمول تبعیض سیستماتیک بودند این بار پاکستان غربی سخن گفتن اهل پاکستان شرقی به زبان بنگالی را بر نمی‌تافت و اگر جدایی اولیه بر سر مذهب و دین بود- و نام پایتخت را اسلام‌آباد نهادند- و نجس‌ها (از نظر هندویان) حالا کشور «پاکستان» را برپا داشته بودند این بار به خاطر زبان بنگالی سرزمین جدید شکل گرفت به نام بنگلادش اگر چه دوری جغرافیای آن از سرزمین اصلی هم بی‌تأثیر نبود. غرض این یادآوری است که پاکستان و بنگلادش خود در اعتراض به تبعیض در مذهب و زبان یا به عرضة وجود نهادند و بنگلادشی‌ها با تجربه تبعیض زبان‌نویسانستند زیر بار تبعیض سهمیه‌بروند.

دامنه اعتراضات چندان گسترده بود که از نیروی پلیس هم ۱۳ مأمور در رده‌های مختلف کشته شوند و کار به حدی بالا گرفت که کارخانه‌های تولید پوشاک که اقتصاد بنگلادش را به نحو شگرفی متحول کرده نیز اغلب به صورت خودخواسته تعطیل شدند تا با معترضان همراهی کرده باشند.

در میان روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گران ایرانی مهندس عباس عبدی بیش از دیگران و به صورت منسجم به دو مقوله «تبعیض» و «تحقیر» پرداخته و اعمال این دورا ریشه اعتراض به حکومت‌ها دانسته است.

هم او ۶ سال پیش در یادداشتی درباره این دو نوشت: «تبعیض، عامل مهم‌تری در شکل‌گیری بحران در حکومت‌هاست. ضمن اینکه تبعیض به نوعی متضمن تحقیر نیز هست و در فردی که مورد تبعیض قرار گرفته احساس تحقیرشدگی ایجاد می‌کند...

تحقیر و تبعیض دو عامل ویران‌گر جامعه و ثبات آن‌اند. هنگامی که دوم خرداد به عنوان یک حرکت نوین اجتماعی ظاهر شد، آن را در یادداشتی به نام «انقلاب علیه تحقیر» معرفی و تحلیل کردم. چون تحقیر علیه نخبگان، مردم و دانشگاهیان چنان شده بود که مردم را به واکنشی آن‌گونه ترغیب کرد. اگر چه انقلاب علیه رژیم شاه را با عوامل ساختاری و اقتصادی می‌توان یا می‌باید تحلیل و فهم کرد، ولی در کنار آنها رفتار تحقیرآمیز شاه با همه اقشار جامعه‌اش مهم‌ترین عامل روان‌شناسی اجتماعی در گرایش مردم به انقلاب بود. مهم‌ترین علت نحوه واکنش مثبت و سرورآمیز مردم به سقوط رضاشاه هم رفتار تحقیرآمیز او با همه اقشار جامعه حتی نظام اداری تحت امر او بود. سرنوشت «تحقیر» کردن دیگران روشن است و باید از آن عبرت گرفت. ولی «تبعیض» عامل مهم‌تری در شکل‌گیری بحران در حکومت‌هاست. ضمن اینکه تبعیض به نوعی متضمن تحقیر نیز هست و در فردی که مورد تبعیض قرار گرفته احساس تحقیرشدگی ایجاد می‌کند.

تبعیض به‌گونه‌ای است که ابتدای کار، زیر دندان مزه می‌کند ولی در ادامه فاعل و عامل تبعیض را در تله خود گرفتار می‌کند. توکیولی یکی از جامعه‌شناسان کلاسیک، حدود دو قرن پیش و در عنفوان جوانی سفری به آمریکا می‌کند و در تحلیلی درخشان از وضع ایالات متحده به مسئله برده‌داری می‌پردازد؛ برده‌داری که اوج تبعیض و تحقیر انسان است و با هدف استثمار انسان از انسان برقرار شده، ولی او نشان می‌دهد چگونه به ضرر برده‌دار و ارباب نیز هست. او مقایسه‌ای میان دو ایالت اوهایو و کننتاکی می‌کند که در دو سوی رودخانه اوهایو و از هر نظر شبیه هم‌اند. تنها تفاوت این است که در ایالت اوهایو برده‌داری راه نداشت ولی در کننتاکی برده‌داری رواج داشت. توکیولی می‌گوید: قضاوت درباره اینکه بردگی یا آزادی کدام‌یک برای بشریت تمریخ‌ش کارز احتمی است. کافی است سوار کشتی شوید و طول رودخانه اوهایو را در نوردید و گاه نگاهی به چپ ساحل و گاه نگاهی به راست ساحل بیندازید. ساحل چپ - اوهایو - جامعه‌ای است فعال و توسعه‌یافته و زنده و پویا و زیبا اما در ایالت کننتاکی جامعه‌ای مرده و بی‌روح و توسعه‌نیافته را مشاهده می‌کنیم. او علت این تفاوت را به روشنی توضیح می‌دهد که چگونه برده‌داران اسیر برده‌های خود می‌شوند و هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ اقتصادی دچار نزول می‌شوند. تحلیل درخشان دیگر از مسئله تبعیض راگری بکر اقتصاددان و جامعه‌شناس آمریکایی و برنده جایزه نوبل ارائه داده است. او در دیدگاه را که تبعیض به شخص تبعیض‌گر یاری می‌رساند به چالش کشید و نشان داد اگر کارفرما، کارگران را صرفاً به خاطر رنگ پوست یا دیگر ضوابط غیرحرفه‌ای استخدام نکند، فرصت ارزشمندی را از دست داده است. در واقع نظریه و تحلیل او در میان صنایع و شرکت‌های گوناگون به عنوان یک اصل پذیرفته شده است که تبعیض موجب عقب افتادن و در نهایت ورشکستگی شرکت می‌شود.»

بنگلادش اما نمونه حی و حاضر و وسیع‌تر است که نشان می‌دهد تبعیض می‌تواند یک ساختار سیاسی را با چه چالش‌های جدی و گاه جدیدی روبه‌رو کند.

با توجه به دو شعار آقای پزشک‌های دایر بر «حق و عدالت» می‌توان تحقق عدالت در دولت او را به میزان دانست که تبعیض نباشد. اگر اصول‌گرایی رادیکال ایرانی به وضعیت رقت‌بار کنونی افتاده و داعیه عدالت‌گستری آن به چالش و حتی سخره گرفته می‌شود به خاطر این است که عدالت، نقیض تبعیض است و با مصوبات و تصمیمات تبعیض‌آمیز نمی‌توان

توسعه‌یافته و حزبی در کشور وجود داشت، بسیاری از ایرادات موجود رفع می‌شد. بااین حال، نباید به خاطر برخی ایرادات موردی یا اختلاف‌نظر درباره برخی گزینه‌ها، اصل مسئله و تجربه تشکیل دولت جدید را نادیده و کم‌ارزش دانست و فراموش کرد که اقدام پزشک‌های و مشاوران و هم‌راهان او، گام مهمی به پیش در جهت افزایش شفافیت و استفاده از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های جامعه ایران در ساختار غیرحزبی موجود، بوده است.



تکسیر: تکسیر

مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران:

با فروش دارایی‌ها، تهران فقیر نمی‌شود

چرا به طلی نشدن مراحل قانونی آن اعتراض نکردید؟» مهدی چمران در پاسخ به این سوال گفت: «حساسیت‌های من اگر بیشتر نشده باشد کمتر از قبل نشده است. به هرگونه تخیل و اقدام خلاف قانونی به سرعت واکنش نشان می‌دهم، اما نیازی نمی‌بینم که حساسیت‌های خود را در صحن شورا مطرح یا داد و فریاد کنم. یک‌بار اوایل شروع به کار این دوره مدیریت شهری در ارتباط با مصوبه باغات در حوزه شهرداری موضوعی را مطرح کردم که به ابطال دستورالعملی انجامید. حتی روز یکشنبه به شهردار تهران موضوع پرورده‌ای که از سال ۹۷ باقی مانده بود را مطرح کردم و گفتیم که به یکی از شهروندان تهرانی ظلم شده است و امیدوارم حل شود. حتی در مورد یک نفر هم این حساسیت من وجود دارد.»

▼ املاک شهر تهران تمام نمی‌شود

او درباره فروش املاک شهرداری نیز تأکید کرد: «شهرداری به طور مرتب ملک می‌خرد یا مجبور می‌شود که بنا به دلایلی ملک یا زمین‌هایی را خریداری کند. اما طولانی‌نگه‌داشتن ملک معنا ندارد؛ مگر اینکه ارزش خاصی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال جزء میراث فرهنگی و یا بهای بالایی داشته باشد. اما شهرداری اجازه خام‌فروشی ندارد. این نکته-فروش املاک- در بودجه سالانه نیز لحاظ شده تا بودجه لازم تأمین شود. مصوب کردیم که املاک بازرگاری باید صورت بگیرد تا به میزانی که افراد سود می‌برند، شهرداری هم سود کند. زمین‌های بایری که شهرداری دارد پس این بازرگاری‌ها چند برابر می‌شود و این سودها برای شهرداری ارزش دارد. اما اینطور نیست که با فروش املاک، شهرداری فقیر شود.» رئیس شورا درباره واردات دستگاه‌های اتوبوس از چین و موانع موجود گفت: «مصوبه هیئت وزیران برای این قرارداد اخذ شده است. مشکلی نیست و فرمانداری نیز این را تأیید کرد که اگر نیازی به اتوبوس هست می‌تواند خریداری کند. هیئت وزیران نته‌تنها برای ما بلکه برای همه تصویب کرد که می‌توانند اتوبوس‌های دست دوم وارد کنند. حتی در اتوبوس‌های بین‌راهی و مسافرتی نیز کمبود وجود دارد و برای کربلا- اربعین- هم اتوبوس کم دارند، به طوری که وزارت کشور مجبور است اتوبوس بخرد تا این کمبود را جبران کند. اما گاهی با موانعی مواجه می‌شود که امکان خرید اتوبوس از چین می‌رود. اما اکنون تمام مجوزهایی که لازم بوده و امکان‌شان فراهم بوده؛ اخذ شده است و هیچ مانع

پریسا هاشمی:

گزارشگر شهری هم‌میهن



«اتفاقات انتخاباتی را ببوسید و کنار بگذارید.» این جمله مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران است درباره رابطه علیرضا زاکانی و مسعود پزشکیان. با توجه به رویارویی زاکانی در مناظرات با مسعود پزشکیان و صحبت‌های جالبی که درباره مسعود پزشکیان داشت، آینده و ارتباط شهرداری و شهردار تهران با دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ رئیس شورای شهر تهران در پاسخ به این سوال با شوخ‌طبعی گفت: «آنچه که در انتخابات اتفاق افتاد راقبت بوده و حالا به قول خودشان به رفاقت تبدیل شده و بعد از آن هم‌دیگر را بغل کردند و اتفاقات را ببوسیدند و کنار گذاشتند. شما هم ببوس بگذارش کنار. اما در آینده چه می‌شود؟ خداداند.»

▼ نیازی نمی‌بینم داد و فریاد کنم

رئیس شورای اسلامی شهر تهران در نشست خبری خود به مناسبت روز خبرنگار، به سوالات اصحاب رسانه در خصوص موضوعات مدیریت شهری پاسخ داد. خبرنگار هم‌میهن در این نشست از او پرسید: «چرا مهدی چمران در دوره‌های قبل حساسیت بیشتری به خرج می‌داد و به قول معروف مورا از ماست بیرون می‌کشید اما در این دوره از آن حساسیت خبری نیست؟» به عنوان مثال اجازه می‌دهد شهرداری ۱۶ هزار میلیارد از بودجه خود را با فروش دارایی شهرداری و شهر تأمین کند. آیا پس از اتمام این دوره مدیریت شهری، دارایی برای پایتخت باقی می‌ماند؟ سوی دیگر فرمانداری به شرطی با مصوبه شورای شهر تهران درباره قرارداد ۲میلیارد و ۱۰۰ میلیون یورویی شهرداری با چین موافقت کرده است که مصوبه هیئت وزیران را اخذ کند. پس از انتخابات ریاست جمهوری این موضوع در هیئت وزیران هم مطرح نشده است. از سوی دیگر معاون حمل و نقل شهرداری در صحن شورای شهر تهران اعلام کرد که اتوبوس‌های این قرارداد تا یکی، دو هفته آینده به سوی بوشهر باگبری می‌شود.